



## پیغام عشق

قسمت دویست و هشتاد و نهم





🙏 با عرض سلام و درود فراوان، و خدا قوت خدمت آقای شهبازی عزیز و بزرگوار و خانواده گنج حضور و کودکان عشق و امید.

ابیاتی از برنامه ۸۶۲

مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۹۶۵

🌱 خَمْشِ ای دل که گر کسی بُود او صادقِ طلب 🌱

🌱 جهتِ صدقِ طالبانِ خَمْشی‌ها بیان شود 🌱

مولانا به ما می‌گوید: دیگر باید ذهنمان را خاموش کنیم به اندازه کافی صحبت کرده‌ایم، دیگر باید در طلبمان صدق داشته باشیم، و اگر در طلبمان صادق هستیم دیگر برحسب من ذهنی و همانندگی‌ها نباید فکر و عمل کنیم، باید فضاگشایی کنیم و مرکزمان را عدم کنیم نسبت به این فضای گشوده‌شده متعهد باشیم، و آن را عدم و خالی نگه داریم در این صورت این فضای گشوده‌شده شروع می‌کند به حرف زدن، و خودش را بیان کردن، و از درونمان خداوند ما را راهنمایی می‌کند.

مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۱۷۲۳

🌸 هزار ابرِ عنایت بر آسمانِ رضاست


🌸 اگر ببارم از آن ابر بر سرت ببارم

مولانا می‌گوید: مهمترین کار من ذهنی این هست که با اتفاق این لحظه بجنگد، برای این که مورد رضایت او نیست و ما می‌رویم به وسیله من ذهنی با اراده سفت و سخت با قیافه عبوس با خشم دنبال خواسته‌های من ذهنی مان و پیدا می‌کنیم و جمع می‌کنیم ولی می‌بینیم که این انباشتگی به ما شادی نداد و سبب رضایتمان نشد، چون عدم رضایت در ذات من ذهنی هست.



خداوند می گوید: اگر شما فضا را باز کنید و باز نگه دارید و حس رضا داشته باشید، و می گوید اگر کرمم و رحتم را ببارم بر سر تو ای انسان از آن ابر رضا می بارم.

مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت ۱۲۰۸

غیر نطق و غیر ایما و سِجَل 

صد هزاران ترجمان خیزد ز دل 

مولانا می گوید: غیر از حرف زدن، و اشاره، و نوشتن، صد هزاران جور برکت از دل انسان برمی خیزد.

مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت ۲۶۷۰

حکم حق گسترد بهر ما بساط 

که بگوئید از طریق انبساط 

یعنی ما باید منبسط بشویم و برای منبسط شدن باید رضا داشته باشیم و اتفاق این لحظه را بپذیریم. ولی متأسفانه ما وقتی که دچار حوادث بد می شویم یعنی ریب المنون آن وقت به قضا و کُن فکان توجه می کنیم، و تسلیم می شویم.


مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۲۰۶۳

تا به دیوار بلا ناید سرش 


نشنود پندِ دل آن گوشِ گَرش 

این من ذهنی تا سرش به دیوار بلا نخورد پند دل را نمی شنود و تسلیم نمی شود و فضاگشایی هم نمی کند.

مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۵۶۶

عکس، چندان باید از یاران خوش 



که شوی از بحر بی عکس، آب گش 

بحر بی عکس فضای یکتایی و خداست و این فضا در درون ما با فضاگشایی باز می شود، بنابراین انعکاس انسان های معنوی با ابیات مولانا روی ما از طریق تقلید کار می کند، حتی اگر کسی پهلوی ما نشسته باشد به زندگی مرتعش است زندگی را در درون ما به ارتعاش در می آورد. این انعکاس از یاران خوش از مولانا و انسان های به حضور زنده این قدر باید باشد که ما با استفاده از این فرصت ها فضا را باز کنیم و یواش یواش آن شادی بی سبب را از درون خودمان بیرون بکشیم، از بحر بی عکس یعنی بدون انعکاس.

مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۵۶۷


 عکس، گاؤل زد، تو آن تقلید دان

چون پیایی شد، شود تحقیق آن 

آقای شهبازی می گوید: اگر یک کسی، یا من، یا نمی دانم اشعار مولانا شما که خودتان می خوانید و نشاط می آید این تقلید است ولی اگر این شادی از درون در شما پیایی شد، این تحقیق است. پس ما باید بیشتر روی خودمان کار کنیم.

مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۵۶۸

 تا نشد تحقیق، از یاران مبر

از صدف مگسل، نگشت آن قطره، در 

می گوید: یعنی تا فضا به اندازه کافی باز نشده از درون نجوشیده، و به بالا نیامده، ما نباید از مولانا و از بینندگان گنج حضور که پیغام می دهند و در این راه هستند جدا شویم. و اگر یک ذره حالمان خوب شد نباید از صدف جدا شویم، آن قطره آب یا باران باید در بشود و این قطره باران هست که در اثر سکوت یا سکون صدف که دهانش را باز نمی کند در می شود. یعنی این کشت اول که در ما کاشته شده اگر سکوت بکنیم و فضا را باز کنیم خداوند آن را به مروارید حضور تبدیل می کند.



مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۵۶۹

صاف خواهی چشم و عقل و سمع را 🌸

بَرَدَران تو پرده‌های طَمَع را 🌸

اگر می‌خواهیم با چشم عدم ببینیم و با عقل خردورزی کنیم و با گوش عدم بشنویم نه با من ذهنی، در این صورت پرده‌های طمع و حرص را که پرده‌های همانندگی هستند باید بدریم.

آقای شهبازی عزیز ممنون و سپاسگزارم از زحمات دلسوزانه و بی‌دریغتان که برای زنده شدن ما به زندگی می‌کشید، و همچنین از دوستان عزیز بزرگوار که شما را در این راه بزرگ یاری می‌کنند و در ضمن من قانون جبران را هم، هم از نظر معنوی و هم مادی انجام می‌دهم در همان اندازه وسع خودم، در این مدت هفت سال که این برنامه را گوش می‌کنم یک ماه هم نشده فراموش کنم و نپردازم هر سال هم با فرا رسیدن سال جدید بیست درصد به حق عضویت اضافه کرده‌ام. ایشالله با زنده شدن به زندگی بتوانم زحمات شما را جبران کنم.

🙏 با احترام 🙏

🙏 شاگردتان شهین از کرمان 🙏



## 👉 شکرگزاری، یعنی یکی شدن با خدا 👈

خدارو شکر که سرسوزنی درباره شکرگزاری می‌شبه نوشت. شکرگزاری یعنی یکی شدن با خدا. آشتی با خدا. یعنی پذیرفتن همه‌چی. فضاگشایی برای همه‌چی. چه غیب، چه عیان. همه‌چی.

شکرگزاری یعنی توجه کامل و شناسایی و شناخت دقیق نعمتی که در اختیار داریم. وقتی برای لحظه‌ای به یک نعمتی توجه کاملمان رو می‌ذاریم، از گذشته و آینده جمع می‌شیم و یک شناخت و آگاهی خردمندانه و خدایی نسبت به اون نعمت در این لحظه پیدا می‌کنیم. حالا هر نعمتی. حس خوبی بهش پیدا می‌کنیم و به‌درستی و در راه عشق و خرد ارزش استفاده می‌کنیم. پس باید نسبت به اون نعمت عمیق بشیم. صرفاً به صورت زبانی کافی نیست. حالا با زبان هم می‌گوییم، ولی این لفظ شکرگزاری که به زبان می‌گوییم در لایه سطح است و موقعی ارزشمند می‌شود که به عمق بی‌نهایت عدم این لحظه متصل باشد.

📌 خب این که باید درباره هر چیزی شکر گزار باشیم را می‌دانیم. فقط جهت یادآوری خودم و شما نعمت‌هایی را در زیر نوشتیم که در شکرگزاری یک‌وقت از قلم نیفتند. نعمت‌هایی که یادآوری و تکرار شکرگزاری‌شان، باعث ثبات عدم در مرکز ما می‌گردد.

لااقل که باعث ثبات بنده می‌شوند.

### ۱. شکرگزاری نسبت به: یکتا بودن خدا

این واقعاً جای شکر داره که خدا یکتاست. یعنی چی خدا یکتاست؟! یعنی این که فقط و فقط خدا وجود داره. در هر چیز غیب و آشکاری خدا وجود داره. اصل همه‌چی خداست. پشت تک‌تک اتم‌ها، مولکول‌ها، جماد، گیاه، حیوان، انسان، انواع انرژی و ذره، خداوند نهفته است.

خب دقیق‌تر شویم. خداوند از جنس عشق، خرد، شادی و آرامش و لطافت است. منظور این نیست که خدا یک قالب بیرونی نهان یا عیان داره و این عشق و خرد داخلشه. خیر. خدا خود همون عشق و خرد می‌باشد. خود آرامش است.



پس وقتی می‌گیریم خدا یکتاست و پشتِ تمامی پدیده‌ها و ذرات است، یعنی عشق، و خرد و شادی و آرامش و لطافت و مهربانی یکتا است و اصل همه چیز است.

و خدا رو شکر که این عشق و خرد و مهربانی یکتاست و این شکرگزاری برای شخص من خیلی خیلی بیدار کننده است. چون که وقتی این آگاهی نسبت به یکتایی و یگانگی خداوند رو در خودم تقویت می‌کنم، انگار که تمامی دروس عرفانی را هم‌زمان و یک‌جا در خودم تقویت می‌کنم. گویی تمامی شکرگزاری‌ها را یک‌جا انجام می‌دهم. یک جورایی آگاهی مادر است. این که بدانم فقط و فقط عشق و خرد و لطافت وجود داره.

۲. شکرگزاری نسبت به: رسیدن به مرحله انسان بودن

این واقعاً جای شکر داره که از هزاران مرحله گذشته‌ایم و به مرحله و درجه انسان رسیدیم.

مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۳۲۲

از حدّ خاک تا بشر، چند هزار منزل است

شهر به شهر بُردمت، بر سرِ راه نمانمت

ما از جماد و نبات و حیوان و سایر موجودات عبور کردیم، درواقع خداوند ما رو عبور داده و حالا به انسان رسیدیم و این واقعاً جای شکر داره.

حال انسان مگر چه باشنده‌ای است که ما قدردانش باشیم و شکرش به‌جا آوریم؟

📌 انسان هست که می‌تواند به اصل خود زنده شود. تمام این خرد، شادی و عشق از طریق انسان می‌تواند تجربه و بیان گردد.

خداوند از طریق انسان می‌تواند هم در لامکان باشد هم در مکان. مانند مرغابی در دریای یکتایی و خشکی جهان.



لامکان که اصل ماست و ۹۹/۹۹..۹ درصد ما را تشکیل می‌دهد. مکان هم پوستهٔ سطحی لامکان است. لباس لامکان است.

انسان طوری طراحی شده که هم می‌تواند حول مرکز عدم یا (لامکان) بگردد و هم این‌که در مکان، در جهان مادی، لامکان را بیان کند.

انسان است که حق انتخاب دارد. می‌تواند به وسیلهٔ خرد، آثاری را به اشکال گوناگون در جهان بیرون خلق کند.

انسان است که در بُعد مکانش، چهار بُعد و پنج حس دارد که می‌تواند به شکل زیبایی با جهان بیرون ارتباط برقرار کند. اطلاعات دریافت کند، پردازش کند و سپس اطلاعات جدید خلق کند.

انسان است که می‌تواند به حقیقت وجودی خود که همان لامکان، همان عشق و خرد است آگاه شود و جاودانه بماند.

ما هم انسان هستیم. پس شکرگزار سلامتی معنوی و جسمی مان باشیم. خدارو شکر که انسان هستیم.

۳. شکرگزاری نسبت به: وجود راهنمایان خدایی

خیلی خیلی مهم است که قدردان و شکرگزار این نعمت باشیم. اگر پیامبران، مولانا و سایر بزرگان نبودند، شاید هیچ

انسانی به راه راست هدایت نمی‌شد. ما دیگه نمی‌تونستیم بیاییم این‌جا و در مورد شکر و عدم حرف بزنیم. اون موقع

اصلاً نمی‌دونستیم شکر و عدم چی هستن. من ذهنی چیه.

همون هشیاری جسمی رو انتخاب می‌کردیم و از خدا بی‌خبر در دردها و بلاها گرفتار می‌شدیم.

چیزی از جهان باقی نمی‌ماند. راهنمایانی مثل مولانا و گنج‌حضور خیلی جای شکر دارند. هرچی شکر کنیم کمه. یعنی

اگر راهنمایی نبود، واقعاً که مورد ۱ و ۲ برای ما هیچ معنی‌ای نداشت. هیچ چیزی معنی نداشت.

فقط در سطح می‌ماندیم و هشیاری در صندوق من ذهنی زندانی باقی می‌ماند.





حال در این جا می‌خواهیم از چند نعمتی که در جهانِ مادی یا همان مکان، وجود دارند نام ببریم. نعماتی که واقعاً توجه به آن‌ها خیلی می‌تواند ما را آگاه کند. در واقع در دل سه مورد بالا هستند.

۴. شکرگزاری نسبت به: زمان

هر واحدِ زمان، یک کوپن برای حضور ما بر روی این کرهٔ خاکی است.

قدر دانستن زمان، ما را انسان موفق‌تری خواهد کرد.

وقتی من در همین گذشتهٔ نزدیک، من ذهنی بسیار بزرگی داشتم. اصلاً قدرِ زمان را نمی‌دانستم. وقت‌هایم را همیشه هدر می‌دادم. تمامی فرصت‌هایم را می‌سوزاندم. یک انسان بی‌هدف و بی‌سروپایی بودم که فقط به فکرِ خوش‌گذرانی، تفریح، رفیق‌بازی و کارهای عبثِ دیگه بودم.

الان متوجه می‌شوم که اصلاً نیازی به تفریح و اوقات فراغت ندارم.

اوقات فراغتِ دیگه برام معنی نمی‌دهد. من باید دائماً در حال کار کردن (چه روی خودم، چه در بیرون) و خلق کردن باشم.

تفریح و اوقات فراغتِ من گردشِ دورِ مرکزِ عدم است.

تفریحِ من فضاگشایی و کار کردن است.

تفریحِ من خلق کردن است.

مسافرتِ من رفتن به فضای یکتایی است.

ما با استفادهٔ صحیح و بهینه از زمان، هم در بُعدِ معنوی و هم در بُعدِ مادی می‌توانیم پیشرفت کنیم و موفق شویم.



بیاییم به تک تک ثانیه‌هایی که می‌گذرد توجه عمیق کنیم. چه جووری می‌شه از شون استفاده کرد؟ چه جووری می‌شه هدرشون نداد؟ چه جووری می‌شه گذر این تیک‌تاک‌های ساعت رو تبدیل به موسیقی زیبایی، جهت رقصیدن از طریق کار کردن و آفرینندگی خود بکنیم؟

شاکرِ زمان باشیم.

آگاهی و شکرگزاری نسبت به سه مورد بالا، به درک ما از ارزشِ زمان کمک شایانی خواهد کرد. با شکرگزاری نسبت به یکتایی خداوند، انسان بودن ما و وجود راهنمایان، به خود کمک می‌کنیم که فضاگشا باشیم. وقتی فضاگشایی کردیم و نسبت به وضعیتمون تسلیم شدیم، آن‌گاه که خرد در ذهن ساده شده ما نوشته خواهد شد و به ما می‌گه از هر ثانیه‌مون چه جووری استفاده کنیم.

#### ۵. شکرگزاری نسبت به: رویدادها یا (اتفاقات)

یک‌سری رویدادها در درون ما اتفاق می‌افتند. مثل بالا آمدن خشم، آمدن شادی، بلند شدن یک فکر، دردها و احساسات جسمی هیجانی. بقیه رویدادها نیز بیرونی هستند. مثل کم و زیاد شدن پول. حرف زدن با دیگران، کار کردن و هر وضعیت بیرونی دیگری که می‌توان فکرش را کرد.

البته خب رویداد، رویداد است. درونی و بیرونی ندارد. صرفاً برای درک بهتر گفتیم.

رویداد هرچه باشد باید فضاگشا باشیم و بپذیریم. رویداد خوب و بد وجود ندارد. تمامی رویدادها نیک هستند و در جهت تکامل و پیام‌رسانی خردمندانه هستند.

اون من‌ذهنی‌ای که در صندوق کوچک و محدود موجود در ذهن زندگی می‌کند دچار خوب و بد و شب و روز می‌شود. درواقع دچار دویی می‌شود.

حال چگونه شکرگزار رویداد باشیم؟



خب یکسری رویدادهایی که ظاهر مناسبی دارند شاید پذیرفتن و شکرگزاری نسبت به آن‌ها آسان‌تر باشد. مثلاً شکرگزاری نسبت به داشته‌هایمان و افزایش آن‌ها. مثل افزایش پول‌مان. خانه و ماشین، سلامتی و غیره.

سوالی پیش می‌آید؟

اگر رویداد برعکس شد چی؟ به‌عنوان مثال اگر پولمان کم شد. اگر دردی آمد. اگر مریض جسمی شدیم و سلامتیمون از دست رفت. اگر فرزندمون مریض شد یا از دستش دادیم. خب اون وقت چه جوری شکر گزار باشیم؟

⚡ خب در حالت کلی که نباید با هیچ چیز همانیده باشیم تا با تغییر رویداد تغییر نکنیم. اما اگر به سه مورد اول مخصوصاً مورد اول (یعنی شکرگزاری نسبت به یکتایی خدا) عمیقاً آگاه باشیم و شکرگزارش باشیم، دیگه نسبت به انواع و اقسام رویداد و اکسینه می‌شیم. خب مورد ۱ می‌گه فقط عشق و خرد وجود داره. پس تمامی رویدادها از جنس عشق و خرد هستند. پشت تمامی اتفاقات عشق و شادی و خرد هستند. دانش و خرد ناب خداوند پشت تمامی رویدادهاست. اگر شکر گزار این باشیم، رویدادها را راحت‌تر می‌پذیریم و شکر می‌کنیم. این آگاهی‌ها به هم کمک خواهند کرد.

اگر یک خردمند آرام عاشق و زیبارویی به شما بگه که: ((پولتو برای این کم کردم که به نفع خودت و بشریت بود. برای پیشرفت خودت و تمام اجزای هستی بود. به این دلیل، به این دلیل، به آن دلیل))

شما قبولش نمی‌کنین؟ مسلماً می‌کنین. هم خردمند و عاشق و مهربانه، و هم کلی حجت و دلیل برامون آورده که چرا باید پولمون کمتر می‌شده. حالا هر دلیلی می‌تونه باشه. ممکنه انداختن همانیدگی باشه. ممکنه زیاد کردن تجربه در بیزنسمون باشه. هرچی بوده به نفعمون بوده. اینو بدونیم که خدا در آن واحد با یک تیر چندین نشون می‌زنه. می‌دونه که اگر الان به ما کمک کنه، به تمام عالم کمک خواهد شد. خدا با استراتژی بُرد بُرد کار می‌کنه. می‌خواد همه برنده باشن. پس کافیه به یکتایی عشق و خرد آگاه باشیم تا رویدادها را به راحتی بپذیریم و شکر کنیم. هر رویدادی. هیچ فرقی نمی‌کند.

۶. شکرگزاری نسبت به: وجود اطلاعات مفید این جهانی



خب من این را هم به عنوان یک گزینه مهم تلقی می‌کنم. ما برای پیشرفت کردن در جهان بیرون نیاز به مطالعه و یادگیری مستمر داریم. خب امروزه، انواع و اقسام اطلاعات موجود است. چه در قالب کتاب و مجلات و چه در دنیای مجازی در موبایل و کامپیوتر و اینترنت. فقط کافیست اطلاعات مورد نیاز را جست‌وجو کنیم تا به راحتی در دسترس ما قرار بگیرند. خب واقعاً خدا رو شکر. من به این اطلاعات می‌گویم خردهای آماده و بسته‌بندی شده. وقتی کتابی می‌خریم، انگار که مجموعه خردی بسته‌بندی شده خریده‌ایم. اون شخصی که یک اطلاعات، علم و دانش انجام کاری رو در اختیار ما قرار داده، سال‌ها تجربه و آزمایش و مطالعه کرده که تونسته اونا رو به صورت یک اطلاعات مفید جمع‌آوری کنه و در اختیار ما قرار بده و ما داریم با پولی که پرداخت می‌کنیم، سال‌ها تلاش و تجربه اون شخص رو به دست می‌آوریم. دیگه نیازی نیست خودمون بریم سال‌ها زمان بگذاریم و کشفش کنیم. درواقع داریم یک خرد آماده بسته‌بندی شده را می‌خریم و دریافت می‌کنیم.

#### ۷. شکرگزاری نسبت به: سایر نعمت‌ها

و هر نعمت دیگری که فکرش را می‌کنیم باید نسبت به آن شکرگزار باشیم. که من فقط تعداد انگشت‌شماری از آن‌ها را در این جا نوشتم. پشت تمامی اجزای عالم هستی خداوند عشق و خرد است. پس شکرگزار او هستیم. و در آخر این نکته مهم:

📌 خداوند عشق و خرد یکتاست. ما از جنس عشق و شادی و لطافت و خرد یکتا هستیم. پس این که می‌گوییم شاکر خداوند باشیم، درواقع یعنی این که خودش از طریق ما شاکر خودش است.

خودش خودش را شکر می‌کند و می‌ستاید.

فقط اوست. همه چی اوست. او یکتاست.

با تشکر، اشکان، مازندران



سلام

چرا مسائل بزرگ به نظر غیرقابل حل می آیند؟

چون من ذهنی بیشتر با عقل جزوی اش به آن می چسبم که بتواند راه‌حلی برای آن پیدا کند! در نوع متمدنش از خرد جمعی استفاده می کند!

در مسائل خانوادگی، و مشکلات فرزندان، بسیار کوشش می کند که با مشاور و روانشناس و بحث و جدل خانوادگی و نصیحت... مشکلات لاینحل حل شود!

فکرهای ما پیش از زمانی که مشکلات کوچک داریم، تسلسل پیدا می کند و هیچ‌گونه فضای خالی که خرد زندگی بتواند وارد شود نمی ماند... ذهن به ما می قبولاند، که این مسئله بسیار بغرنج و غیرقابل حل است. و ما را ناامید می کند... یعنی چاشنی ناامیدی به مقاومت و تسلسل فکر ما می دهد که دیگر هیچ روزنی برای ورود خرد زندگی نماند!

هرچه مشکل عمیق تر بشود، به «فضاگشایی»، بیشتری نیاز داریم. در این مشکلات چون به این باور رسیدیم که غیرقابل حل هستند، مقاومت درونی نیز اضافه می شود... وقتی فضا را درمقابل مشکلات عمیق باز کنیم، روزنی برای ورود و خرد زندگی پیدا می شود و هرچه اصرار بر فضاگشایی داشته باشیم... کم کم مقاومت درونی فرو می ریزد و ذهن متلاشی شده و «فضای عدم»، وسیع، و مسئله ما در آن حل می شود.

مولوی، مثنوی، دفتر پنجم ابیات ۵۵۹ تا ۵۶۱

تا گشاید عقده اشکال را

در حدت کرده ست زرین بیل را

عقده را بگشاده گیر ای منتهی

عقده‌یی سخت ست بر کیسه تهی



در گُشادِ عُقده‌ها گشتی تو پیر

عُقده چندی دگر بگشاده گیر

با تشکر،

نصرت سنندج



همراهان عزیز گنج حضور، لطفاً برای ارسال پیغام‌های عشق خود، از کانال تلگرام آقای شهبازی که در زیر مشاهده می‌شود استفاده نمایید. در موارد استثنایی که دسترسی به تلگرام وجود ندارد، می‌توانید پیغام خود را از طریق ایمیل به آدرس ایمیل آقای شهبازی ارسال فرمایید.

با سپاس،

گروه تهیه مجموعه پیغام عشق



تلگرام آقای شهبازی

+1 818 970 3345



ایمیل آقای شهبازی

[Shahbazi@rapidtest.com](mailto:Shahbazi@rapidtest.com)